

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

# جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات



## وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

### جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

#### با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	مشخصات نشر	مشخصات ظاهری
جستارهایی در پلاسکو/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها - - جنبه‌های جامعه‌شناختی.	۳۴۷/۳۶۳
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
موضوع	مسائل اجتماعی - ایران - تهران.	رده‌بندی دیویی
موضوع	مدیریت بحران - ایران - تهران.	
موضوع	بلاها - - آینده‌نگری.	
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳	

## جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار  
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.  
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر  
فرهنگ و ارشاد اسلامی  
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده  
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،  
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.  
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir



## فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ..... ۷

### مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ..... ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ..... ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ..... ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ..... ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ..... ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ..... ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ..... ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ..... ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ..... ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ..... ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ..... ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ..... ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ..... ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ..... ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ..... ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ..... ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ..... ۱۳۵

## فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ ..... پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ ..... پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ ..... با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ..... ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ..... ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ ..... حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ..... ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ ..... اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ ..... پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ ..... پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ ..... بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ..... ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

## اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ ..... آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ ..... حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ ..... حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ ..... تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ ..... همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ ..... پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ ..... آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ ..... فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ ..... مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

## رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ ..... پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ ..... تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ ..... درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ..... ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ ..... اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ ..... مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ ..... پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ ..... درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ ..... سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ ..... که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ ..... حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ ..... اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ ..... سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ ..... خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ ..... فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ ..... شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ ..... کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

### برای آینده

- ۴۷۱ ..... از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ ..... علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی



# اخلاق اجتماعی و خلییات ایرانی





## فرایند اندیشه نسلی؛ آن چه که انجام می دهیم

مهدی منتظری مقدم

پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آن چه که انجام می دهیم هرگز فهمیده نمی شود، بلکه فقط ستایش یا تقبیح می شود.  
(حکمت شادان، نیچه، ۲۶۴، ص ۲۴۱)

دیر زمانی است که پرسش «پس ما چگونه مردمانی هستیم؟» علوم اجتماعی ما را به خود فراخوانده است. عالمان این علم، بر این باورند که حیات بخش این پرسش فیلسوفانه، آنها بوده اند. آنها بوده اند که توانسته اند به این پرسش جمعی، صدایی ببخشند. لکن آنان از این حقیقت غافل بوده و هستند که خواست و خاستگاه این پرسش، نه سویه اندیشه ورز آنها که سویه عام انسانیت شان بوده است. زیرا بشر ایرانی سالیان درازی است که پرسش فریادگونه «پس چه کسی مرا خواهد شناخت؟» را سر داده است و در پی حوادث ناگوار گوناگون او

همچنان منتظر است که فرای ستایش یا تقبیح، چیزی بیش تر از آنچه خود می‌داند درباره هستی‌اش بفهمد. جامعه‌شناس و علوم اجتماعی خوانده فقط و اگر فقط سوبه عام خود را جدی می‌گرفت، شاید لازم نبود که انعکاس و صدای سوالی تکراری، سراسر تاریخ معاصر ما را فراگیرد. در پس این تاریخ، علوم اجتماعی ایرانی با تمام تجهیزات، ابزار و لوازم «امکان فهم و سنجش واقعیت و امر اجتماعی» به تنها چیزی که نائل آمده است، تکمیل کردن بخش نیست‌های پازل اندیشه مغرب‌زمین بوده است. برای مثال، در همین واقعه اخیر ساختمان پلاسکوی تهران با انواع و اقسام تحلیل‌هایی قانون‌گذارانه (قلمروی «وضعیت مطلوب» و «آنچه باید باشد»<sup>۱</sup>) مواجه هستیم؛ یکی کنش‌های مردم را غیر عقلانی توصیف می‌کرد (نبود عقلانیت)، دیگری صفت اخلاقی خودخواه را برایشان به کار می‌بست (نبود دیگرخواهی) و سومی نهادهای آموزشی و ساختارهای اجتماعی را هدف قرار می‌داد (نبود ساختارهای اجتماعی). پیش‌روترین تحلیل‌های علوم اجتماعی نیز نهایتاً صورت‌بندی‌ای را ارائه می‌داد که در آن به نقد قدرت و دستگاه‌های حکومتی به لحاظ عملکردی پرداخته می‌شد<sup>۲</sup> (که نهایتاً در این نسخه هم نبود حاکمیتی صادق را می‌توانیم نظاره‌گر باشیم). با این تفاسیر، سوال آغازین، همچنان سفت و محکم پابرجاست و بشر ایرانی حق دارد فریاد بزند، چراکه آنچه انجام می‌دهد هرگز فهمیده نمی‌شود، بلکه فقط ستایش یا تقبیح می‌شود. چرا ماحصل علوم

۱. برای اطلاع بیشتر از بحث دانش‌هنجاری و دانش وجودی رجوع کنید به: ویر، ماکس. روش‌شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۷، صص ۲۳۹-۱۷۳

۲. به این معنا که در این رویداد، طبقه حاکم با استفاده از قدرت رسانه اولاً این رخداد را مسئله‌وار نمود و بعد برای فرار از برعهده گرفتن مسئولیت، تمام ماجرا را به دوش مردم انداخت. چراکه، «رسانه‌ها علاوه بر این‌که برای اکثر مردم جامعه، نقشه رخدادها را مشکل‌ساز را ترسیم می‌کنند، تفاسیر قدرتمندی را نیز از نحوه درک این رخدادها ارائه می‌دهند» (Hall et al., ۱۹۷۸).





اجتماعی، تماماً در عدم سیر می‌کند؟ مگر علم الاجتماع عمدتاً ثمره مشغولیت جامعه‌شناس با جهان هست‌ها نیست؟ مگر علوم اجتماعی، درک و تبیین نظری «هستی منحصر به فرد» نیست؟ مگر این علم، فهم یکتایی ویژه واقعیتی که در آن زندگی می‌کنیم نیست؟ این سولاتی است در ادامه سعی دارم به آن‌ها پاسخ بدهم<sup>۱</sup>.

ابراهیم توفیق در مقاله «جامعه دوران گذار و گفتمان پسااستعماری: تأملی در بحران علوم اجتماعی در ایران» (۱۳۹۰) عنوان می‌کند که منطق حاکم بر علوم اجتماعی ما، پارادایم مدرنیزاسیون است. از منظر این گفتمان، جوامع غیر اروپایی در رویارویی با غرب/مدرنیته، ناخواسته در وضعیت تاریخی جدیدی قرار می‌گیرند که این جوامع را به جوامع دوران گذار تبدیل می‌کند، جوامعی که از یک سو پا در سنت دارند و از دیگر سو پا در تجدد. منطق و پویایی تحول جامعه دوران گذار، بر رویارویی سنت شرقی و تجدد غربی استوار است. تجددی که درون‌زا نیست، بلکه به اعتبار وارد کردن و/یا تحمیل ارزش‌ها، نهادها و مناسبات مدرن غربی، حیات می‌یابد، و سنت به ظاهر ایستا و تحول‌ناپذیر را به چالش می‌کشد (توفیق، ۱۳۹۰: ۳). وی پیامد سایه‌افکنندن چنین پارادایمی بر علوم فرهنگی ما را عدم امکان بررسی پروبلماتیک «لحظه حال» می‌داند. توفیق می‌افزاید: «تصور حضور توأمان در زمان و فضای سنت از سویی، و زمان و فضای تجدد (مدرنیته) از دیگر سو، لحظه حال را به لحظه‌ای به تعلیق درآمده، نامتعیین و غیرقابل تعیین تبدیل می‌کند. چنین لحظه حالی، غیر قابل تعیین باقی می‌ماند، زیرا حلقه واسط گذشته و آینده نیست. پشت سر و در درون این لحظه، گذشته‌ای قرار دارد که نمی‌توانسته به مدرنیته بیانجامد، [...] پیشاروی و باز در درون این لحظه، آینده‌ای تصور

۱. چراکه معتقدم فاجعه پلاسکو اولاً به اندازه کافی دردناک بوده است و نیازی نیست برای مردم بیش از این مرثیه‌سرایی شود و ثانیاً بر این باورم که عموم مردم، دین خود را به سؤال «ما را چه شده است؟» ادا کرده‌اند و اینک فرصت علوم اجتماعی ماست که دین خود را ادا کنند.



می‌رود که در مکان تاریخی دیگری (غرب) شکل گرفته و با گذشته ما نسبی ندارد. منطق حاکم بر چنین لحظه‌ای، نمی‌تواند منطبق شدن تاریخی باشد. چگونه از گذشته شرقی شدن آینده غربی، قابل تصور است» (توفیق، ۱۳۹۰: ۶). از نظر وی نتیجه منطقی چنین گفتمانی «این است که در لحظه حال یا تجربه‌ای اتفاق نمی‌افتد که آن را به نحوی معنادار از گذشته متمایز کند [...]، یا این که این تجربه برای ما به لحاظ علمی قابل دستیابی نیست؛ به بیان دیگر، یا لحظه حال، ذیل مقوله زمان‌مندی/تاریخ‌مندی قرار ندارد و یا این که زمان‌مندی/تاریخ‌مندی، آن خارج از حوزه شناخت و مفهوم‌پردازی قرار دارد» (همان، ۶). این عدم قرار گرفتن لحظه حال، ذیل مقولات زمان‌مند و تاریخ‌مند (زمانی و مکانی) با الهام از تعابیر کانت یعنی عدم قرار گرفتن آن، ذیل احکام پیشینی داده شده که اساساً امکان برخورداری ما از هرگونه شناخت را ناممکن می‌کنند. چراکه، انسان هرگاه می‌اندیشد ایزه‌ها را در زمان و در مکان فهم می‌کند (سجویک، ۱۳۹۴: ۶۸-۷۳). به این ترتیب، جای تعجب نیست که علوم اجتماعی ایرانی نظامی دانشی را ایجاد می‌کند که با تعلیق هستی (آنچه لحظه حال می‌خوانیم‌اش) در دو عدم (سرای نیست‌ها) به سر می‌برد: گذشته رمانتیک و آینده دوردست. اما آیا این کاری که علوم اجتماعی می‌کند سراسر ماحصل تأملات نااندیشیده اصحاب آن است؟ آیا بین تعلیق زمان حال و هستی در علوم اجتماعی و افکار عموم مردم جامعه ارتباطی هست؟ «نظریه کلاسیک معرفت و علم این را می‌آزماید که چه اتفاقی می‌افتد وقتی که «یک سوژه شناسا»ی منحصر به فرد، می‌اندیشد، درک می‌کند و کار علمی انجام می‌دهد. [اما] کنت این سنت را شکست. برای او این [مسئله] با مشاهدات‌اش در تضاد بود. در نظر او، تأملات و تحقیقات بشری، بیشتر فرایندی مداوم بود که در گذر نسل‌ها گسترش می‌یافت. شیوه‌ای که یک فرد با توجه بدان می‌اندیشد، درک می‌کرد یا کار علمی انجام می‌داد، بر فرایند



اندیشه نسل‌های پیشین استوار بود» (Elias, 1978). از این منظر، «قانون سه مرحله‌ای» کنت علاوه بر امور دیگر از امکان مشاهده توسعه ایده‌ها و شیوه‌های تفکر در بستر گسترده‌تر تغییرات اجتماعی حکایت می‌کرد که نمی‌توان به سادگی از دست آنها به دلیل ایدئولوژی‌های غیرعلمی خلاص شد (Ibid, 1978). این بدان معناست که کنت، پدر جامعه‌شناسی نوین قائل به ارتباط بین نحوه تفکرات عمومی و دانش رایج در اجتماع بود (به عبارت دیگر دانش صورتی است که محتوای آن تفکرات عمومی است). جامعه‌شناسی نیز که وظیفه توسعه مقوله‌ها و روش‌های مناسب برای آشکار سازی «امر اجتماعی» به مثابه «امر واقع» دارد چیزی غیر از مطالعه «به هم پیوستگی قراردادهای روابط فی‌مابین افراد و رویدادها- اقتصادی، اخلاقی، سیاسی- در درون قلمرویی کمابیش کران‌دار که با قوانین خودش اداره می‌شد» (Rose, 1996: 1) نیست. اگر لحظه طلایی در پیدایی علوم اجتماعی وجود داشته باشد، همین لحظه است. همین لحظه که عالم علوم اجتماعی ایرانی تصور می‌کند در تبیین و تحلیل یا درمانده است یا دانشی را تولید کرده است که حول محور نیست‌ها می‌چرخد، بل نمی‌داند که سویه اندیشه‌ورز او همان چیزی را تولید و بازتولید می‌کند که سویه عمومی اندیشه او تحت تأثیر آن است. به بیان ساده‌تر، سیطره تعلیق لحظه حال، معنزدایی از هستی، نیستی و عدم در علوم اجتماعی ایران برخاسته از فرایند اندیشه نسلی است. پس اگر چنین فرضی صادق باشد، می‌توان بین علوم اجتماعی غرب (سنت رایج) که بر فرایند اندیشه نسلی معنابخشی لحظ حال، و علوم اجتماعی ایران که مبتنی بر فرایند اندیشه نسلی معنزدایی است، تفکیک قائل شد<sup>۱</sup>.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا اصلاً باید لحظه حال را معنا بخشید یا معنزدایی کرد؟ انسان چرا چنین می‌کند؟ نیچه

۱. این بحثی آغازین است که باید در جای مناسب‌اش به تفصیل درباره آن توضیح دهیم.



– که می‌توان فرض کرد در فرایند اندیشه نسلی متعینی، پرورش یافته – کتاب تبارشناسی اخلاق خود با بخشی درباره معنابخشی، این‌گونه به پایان می‌برد: «اگر از آرمان زهد چشم‌پوشیم، انسان، جانور بشری، تاکنون معنایی نداشته و زندگانی او بر روی زمین هدفی نداشته است» (نیچه، ۱۳۹۴: ۲۰۸). این بی‌هدفی انسان منجر به آن شده که «در پس هر سرنوشت بزرگ بشری، ترجیح‌بند یک «چه بیهوده!»ی بزرگ‌تر پژواک» (همان، ۲۰۸) داشته باشد. نیچه نمود این بیهودگی سرنوشت را رنجشی می‌داند که در قالب دو سؤال تبلور یافته است: ۱. «بشر دیگر از برای چیست؟» و ۲. «رنج بردن برای چه؟». نیچه معتقد است سؤال بشر از ماهیت خود رنج، چندان موضوعیتی ندارد چراکه اولاً مسئله انسان، رنج بردن نبوده و ثانیاً این «فریاد پرسش «رنج بردن برای چه؟» را پاسخی نبوده است» (همان، ۲۰۸). مضاف بر آن‌که نیچه باور دارد رنج «هستی و جهان را تنها در مقام پدیده‌ای زیبایی‌شناسانه می‌توان توجیه کرد» (Nietzsche, 1999: 8). اما در باب سؤال اول، او معتقد است انسان این حیوان رنجور توانسته «بدان شرط که معنایی بدان بخشیده شود» (نیچه، ۱۳۹۴: ۲۰۸) پاسخی را نه به جهت از بین بردن که به جهت تقلیل یا کنار آمدن با رنج مسئله معنای خویش سروسامان داد. به نظر می‌رسد معنازدایی از لحظه حال و هستی نیز، فرایند اندیشه نسلی بشر ایرانی در مواجهه با مسئله رنج است، چراکه اگر قرار است با معنابخشی به رنج (بخوانید معنابخشی به رنج لحظه حال با توسل به علم اجتماعی) نهایتاً چیزی که دستگیر ما می‌شود کنار آمدن یا تقلیل رنج باشد، معنازدایی رنج یا همان تعلیق زمان حال (بخوانید معنازدایی رنج لحظه حال با توسل به علم اجتماعی) نیز همین را در اختیار ما قرار می‌دهد. هدف در هر دو، مواجهه با مسئله رنج است، اما یکی از طریق معنابخشی و دیگری از طریق معنازدایی. بیان اخیر ما به تعبیر دیگر این‌گونه خواهد شد که معنابخشی و معنازدایی در



مواجهه با مسئله رنج، به لحاظ ارزشی روحانی بر یکدیگر ندارند. اگر بخواهم به طور انضمامی‌تر توضیح دهم، در رخداد ساختمان پلاسکو تهران با حجمی از واکنش‌های جمعی و فردی بی‌معنا مواجه هستیم. عکس گرفتن با ساختمانی که در حال فرو ریختن است، تجمع بی‌علت افرادی که در حین حادثه در حوالی آنجا بودند و مراجعت بی‌علت افرادی که برای مشاهده حادثه به آنجا رفته بودند. این معنزدایی لحظه‌حال جمعی و فردی، شاید همان فرایند اندیشه نسلی معنزدایی باشد که برای مواجهه با رنج نهفته در لحظه حال انجام می‌دهیم و علوم اجتماعی ایرانی‌مان منعکس‌کننده آن است. دست آخر نیز معتقدم بیش از این که به دنبال معنابخشی به لحظه حال در سنت رایج علوم اجتماعی رفت، باید همین لحظه معنزدایی را قدری جدی گرفت و در پی پاسخ به سوالاتی از این قبیل بود که عموم مردم در چه موقعیت‌هایی دست به چنین معنزدایی‌هایی می‌زنند؟ یا این که علوم اجتماعی چگونه توانست ناخواسته این لحظه معنزدایی را تئوریزه کند؟ یا این که علوم اجتماعی، چگونه می‌تواند بر این لحظه، تسلط تئوریک پیدا کند؟

## منابع

توفیق، ابراهیم. «جامعه‌ی دوران گذار و گفتمان پسااستعماری: تأملی در بحران علوم اجتماعی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال دوازدهم، شماره‌ی ۱-۲، بهار و تابستان ۱۳۹۰

سجویک، پیترو. *دکارت تا دریدا: مروری بر فلسفه اروپایی*، ترجمه محمدرضا آخوندزاده، تهران، نشرنی، چاپ پنجم، ۱۳۹۴

نیچه، فریدریش. *تبارشناسی اخلاق*، ترجمه داریوش آشوری، تهران، نشر آگه، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۴

نیچه، فریدریش. *حکمت شادان*، ترجمه جمال آل‌احمد، سعید کامران و حامد فولادوند، تهران، نشر جامی، چاپ اول، ۱۳۷۷



وبر، ماکس. روش‌شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۷

Elias, Norbert. *What is Sociology?*, Translated by Stephen Mennell and Grace Morrissey, US, Columbia University Press, First Edition 1978,

Hall, S, Critcher, C, Jefferson, T, Clakre, J, Roberts, B. *Policing the Crisis; Mugging, The State, And Law And Order*, UK, The MacMillan Press, First Edition, 1978

Nietzsche, Friedrich. *The Birth of Tragedy and other Writings*, Translated by Ronald Speirs, UK, Cambridge University Press, First Edition, 1999

Rose, N. 'The death of the social? Re-figuring the territory of government'. *Economy and Society*, 1996, 25(3).





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی  
فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی